**پادشاهی که سرش دست بدست گشت**

**ضیاء ابراهیمی، عیسی**

در نزدیکی پاریس شهر کوچکی است بنام سن‏دنیس،که چون قدیمی‏ترین کلیسای‏ فرانسه در این شهر واقع است خیلی مشهور میباشد.کلیسای سن‏دنیس را در قرن هفتم‏ با مرداگوبر پادشاه فراسنه ساختند و از آن ببعد پادشاهان فرانسه و اعضاء خانواده‏های‏ سلطنتی را در آنجا دفن میکردند.در این اواخر دولت فرانسه یکی از علماء را بنام‏ سومر کروسبی بمطالعه در آثار قدیمی این کلیسا گماشت،این دانشمند توانست با تحقیقات‏ خود قسمتی از نقاط تاریک تاریخ فرانسه را روشن کند.

\*\*\* صرف‏نظر از عقیدهء سیاسی و دینی،مردم غالبا مزار و مدفن پادشاهان را مخصوصا- محترم می‏شمارند.ملت فرانسه هم مثل سایر اقوام همیشه از این قاعده پیروی کرده است، مخصوصا از زمان داگوپر تا دورهء لوئی هفتم که بعدها بنام سن‏لوئی(لوئی مقدس) معروف شد(سن لوئی همان پادشاهی است که در جنگ معروف منصوره بدست ممالیک مصری‏ اسیر و محبوس و پس از پرداخت مبلغ گزافی آزاد گردید).

کلیسای سن‏دنیس در عهد سن‏لوئی وسعت یافت و باوج شهرت رسید،پس از او بارها در هنگام جنگهای داخلی خراب و هربار مرمت شد،تا در سال 1793،حکومت‏ انقلابی قانونی بتصویب مجلس ملی فرانسه رسانید که بموجب آن اجازه یافت کلیه آثار سلاطین فرانسه را از هزار سال قبل ببعد از بین ببرد.در 31 ژوئیهء همان سال قراری صادر شد مبنی بر اینکه همهء اجساد مقابر سن‏دنیس بیک سردابه منتقل شود و اشیاء گرانبها و آلات فلزی مقبره‏ها در احتیاجات دولت صرف گردد.حکومت انقلابی هم مقبره‏ها را خراب کرد و اشیاء فلزی آنها را برای ساختن اسلحه بزرادخانه‏ها فرستاد.

(خوشمزه این است که این طرح قانونی توسط یکی از رهبانان سابق هیمن کلیسا که با قلاببون پیوسته بود بمجلس ملی تقدیم شده بود).

مأمورین دولتی در ظرف دو روز 61 قبر را نبش کرد و استخوانهای هفت شاه،هفت‏ ملکه و چهل و هفت شاهزاده و شاهزاده‏خانم را بیک سردابه منتقل کردندو بعد بکار سایر قبور پرداختند و استخوانهای هجده پادشاه از آن جمله داگوپر و ده ملکه و بیست و چهار شاهزاده و یازاده نفر از بزرگان را نیز درآوردند.

قابل‏توجه این است که هنوز بیش از پنجسال از این واقعه نگذشته بود که همین‏ حکومت انقلابی عده‏ای از دانشمندان را مأمو کرد که با ژنرال ناپلئون‏بناپارت بمصر بروند و در اثار قدیمی ان کشور بمطالعه پردازند و هم اینان بودند که پس از تحقیقات خود علم مصرشناسی را بنیان گذاردند.

باری،در هنگام نبش مقابر جسد لوئی چهاردهم را دیدند که سالم مانده ولی مثل زغال سیاه شده است،اما در تابوت برنزی پسر او چیزی غیراز ان نبود.جثهء لوئی‏ پانزدهم در مایع قرمز رنگ بسیار بدبوئی فرو رفته بود.جسد هانری چهارم کمتر پوسیدگی‏ داشت و این موضوع یکی از دانشمندان را که حاضر بود بر آن داشت که سر او را برای‏ ساختن مجسمه‏ای از بدن او جدا کند،این واقعه سبب اتفاق مضحکی شد،بدینقرار که‏ چون لوئی هجدم پس از ناپلئون بپادشاهی رسید فرمان داد که هریک از اجساد را بمقبرهء اصلی خود برگردانند،هنگامیکه نوبت هانری چهارم رسید او را بی‏سر یافتند زحمات‏ زیاد مأموران برای پیدا کردن سر او بی‏نتیجه ماند و بناچار بدن بی‏سر را دفن کردند.

در سال 1919 در نمایشگاه«درو»در پاریس سر شخص مجهولی را علنا بمزایده‏ گذاردند و بسه فرانک فروختند این سر ده بار دست‏بدست گذشت تا اینکه ادارهء باستان‏ شناسی فرانسه دریافت که ممکن است این سر دربدر متعلق بهانری باشد و چون آثار نقش‏ و نگاری را که باجماع مورخین بر چهرهء این پادشاه منقوش بوده است در آن یافتند مسلم‏ شد که این حدس حقیقت داشته است.سپس دولت فرانسه تصمیم کرد که سر را باز بخرد اما متأسفانه دارندهء آن ناگهان ناپدید شد و دیگر خبری از او بدست نیآمد.

\*\*\* عده‏ای از مورخین معتقدند که چون جسدها را پس از بیست سال بقبور اصلی‏ برگردانده‏اند نمیتوان در صحت نام صاحبان آنها اطمینان قطعی حاصل کرد.

در بین اشیائیکه الان در کلیسای سن‏دنیس موجود است قطعات نفیس بسیاری متعلق‏ بقبل از انقلاب میباشد زیرا یکی از کسانیکه در حفریات شرکت داشته انها را از سایرین‏ پنهان کرده و پس از انقلاب بدولت واگذارده است.

یک پردهء رنگ و روغنی زیبا متعلق بنقاشی باسم«هیم»نیز در این کلیسا محفوظ است که انتقال جسدها را بقبور اصلی مجسم میکند.

پس از چندسال بنا بتصمیم دولت فرانسه دو جسد لوئی شانزدهم و ماری انتوانت را هم که قربانی انقلاب شده بودند از گورستان مادلین پاریس به سن‏دنیس انتقال دادند.

شوم‏قدم!

«اشام من طویس»در عرب ضرب‏المثل است.«طویس»مغنیی بسیار شوم بوده است.روزیکه حضرت رسول صلی اللّه علیه از دنیا رفته او بدنیا آمده‏ است.روزیکه ابو بکر رحلت کرده او را از شیر گرفته‏اند.روزیکه خلیفهء دوم بدورد حیات گفته او را ختنه کرده‏اند.روزیکه خلیفهء سوم شربت مرگ‏ چشیده او از شراب عروسی مست شده است.روزیکه فرزندان علی علیه السلام‏ یتیم شده‏اند او را فرزندی آمده است.

و مورخین آن را از عجایب اتفاقات شمرده‏اند.